

الدَّرْسُ الثَّانِي

قال رسول الله (ص): تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

لغات

رسول خدا(ص) فرمودند: ساعتی بهتر از عبادت سال است.

يَتَرَا حُمُ الْخَلْقُ: آفریدگان به	عَلَّمَ: یاد داد	أَجْرِي: جاری کرد
هم مهربانی می کنند	غَرَسَ: کاشت	أَخْلَصَ: مخلص شد
يَجْرِي: جاری است ،	كُلُوا: بخورید	أَرْسَلْنَا : فرستادیم
جاری می شود	لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید	أَمْسَكَ: به دست گرفت
يُسَاوِي : مساوی است	لَبِثَ: درنگ کرد	ونگه داشت،
يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می	ما أَجْمَلَ : چه زیباست !	بَنَى: ساخت
خواهد	مِئَةٌ : صد	جَاءَ بِ: آورد
يَفُوقُ : بالاتر است از	مِضْيَاف: مهمان دوست	حِلْم : بردباری
يَكْفِي: بس است	نَاقِص: منهای	زَائِد : به علاوه
يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ : برای دو	نَمَلَةٌ : مورچه	سَائِح: گردشگر
نفریس است	وَرَثَ: به ارث گذاشت	سَمَاع : شنیدن
		شَعَب: ملت

مترادف ها : رُسُلٌ = عام = وُلْدٌ =

متضاد ها : أَقَلٌّ : جَاءَ : كَثِيرٌ :

مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
	بَلَد	باب	أَسَابِيع		
جزء		جُمْلَة		جَوَائِز	
		رَجُل	دَقَائِق	رُسُل	
رَقَم	شُعُوب			صُدُور	
	عَقْرَبَة	عِبَاد	اعوام		
		أَقْدَام	فصول	أَقْوَام	
		مِثْل - مِثْل	أَمْتَار	مَسَاكِين	
	يَنَابِيع		مَوَاعِظ	يَوْم	

متن و ترجمه

المواعظُ العَدَدِيَّة من رسول الله (ص) عددی از رسول خدا

سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا

.....(چیز) پاداشش بر بنده در حالی که بعد از در قبرش است، : هرکس علمی را.....، یا رودی را.....

أَوْ حَفَرَ بئرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

یا..... را حفر کرد، یا نخلی را.....، یا مسجدی را.....، یا قرآنی را..... یا فرزندی را..... که بعد از مرگش برای او

جَعَلَ اللهُ الرَّحْمَةَ مِثَّةَ جُزءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزءًا.

خدا رحمت را..... بخش قرار داد. پس.....بخش را نزد خودش نگه داشت .

و أَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزءِ يَتَرَاكُمُ الْخَلْقُ. وَ يَكِبْ بِخَشٍ رَا بَه زَمِين.....، پس از آن بخش آفریدگان

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ وَ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، كُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

به راستی غذای یک نفر برای دوفنر..... و غذای دوفنر برای سه و چهار نفر..... همگی (با هم غذا)..... و

..... پس قطعا برکت..... جماعت است.

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

..... بهتر از یک است و بهتر از و بهتر از پس باید با جماعت باشید.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هرکس صبح برای خدا، حکمت از قلبش بر زبانش

أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعَدَاوَةُ وَ النَّارُ. چهار چیز اندکش بسیار است: فقر و و و آتش.

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ. تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. عِبَادَتٌ بَخْشٌ اسْت. آن (تلاش) در است.

← اعداد و کاربرد ها

اعداد اصلی:

عُقُود		اعداد ۱۱-۱۹		اعداد ۱-۱۰	
بیست	عِشْرُونَ	یازده	أَحَدَ عَشَرَ	یک	واحد
سی	ثَلَاثُونَ	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ	دو	إِثْنَانِ
چهل	أَرْبَعُونَ	سیزده	ثَلَاثَةَ عَشَرَ	سه	ثَلَاثَةٌ
پنجاه	خَمْسُونَ	چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	چهار	أَرْبَعَةٌ
شصت	سِتُونَ	پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ	پنج	خَمْسَةٌ
هفتاد	سَبْعُونَ	شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ	شش	سِتَّةٌ
هشتاد	ثَمَانُونَ	هفده	سَبْعَةَ عَشَرَ	هفت	سَبْعَةٌ
نود	تِسْعُونَ	هجده	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	هشت	ثَمَانِيَةٌ
-	-	نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ	نه	تِسْعَةٌ
-	-	-	-	ده	عَشْرَةٌ

نکات:

۱. به کلماتی که بعد از عدد می آیند معدود گفته می شود. مانند «رجال» و «کوکبا» در «خمسة رجال» و «أحد عشر كوكباً»

۲. اعداد ۳ تا ۱۰ از نظر مذکر و مؤنث بودن، مخالف معدود خود هستند.

۳. « مئة » به معنای « صد » به صورت « مائة » نیز نوشته می شود.

۴. عددهای «عشرون، ثلاثون، أربعون، خمسون، ستون، سبعون، ثمانون، تسعون» عقود نام دارند.

۵. اعداد عقود با «ون» و «ین» می آیند؛ مثال: أربعون و أربعین. (فرق این دو را در درس های آینده خواهید خواند.)

۶. «واحد، واحدة» و «اثنان، اثنتین، اثنان، اثنتین» بعد از معدود می آیند؛ مثال: سائِحٌ واحدٌ، عُصْنانِ اِثنانِ، اِمْرأتینِ اِثنتینِ.

۷. معدود اعداد سه تا ده مضاف الیه و به صورت جمع و مجرور است. مثال: ثلاثة كتبٍ.

۸. به عددهایی مانند واحدٌ و عشرونٌ، اثنانٌ و عشرونٌ معطوف گفته می شود.

۹. در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: أربعة و خمسون (۵۴)، تسعة و سبعون (۷۹)

۱۰. معدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد و منصوب هستند؛ مثال: أَحَدَ عَشَرَ كوكِباً، تسعةٌ و تسعونٌ يوماً.

۱۱. اعداد سه رقمی: برای نوشتن یک عدد سه رقمی، صدگان بر سر اعداد دو رقمی می آوریم.

مثال: چهارصد و بیست و سه: أربعمئة و ثلاث و عشرون - ششصد و هشتاد و پنج: ستمئة و خمس و ثمانون

تست: «فی صَفْنَا ثلاثون طالباً، كُلُّهم نجحوا فی الإمتحانِ إلا ثلاثة طلابٍ!» عین الخطأ:

(۱) سبعةٌ و عشرونٌ طالباً نجحوا فی الإمتحانِ! (۲) تسعونٌ فی المئةٍ مِنَ الطَّلابِ نجحوا فی الإمتحانِ!

(۳) عدَدُ الرّاسِبینَ فی الامتحانِ ثلاثةٌ! (۴) ما نجحَ الطَّلابِ فی الإمتحانِ إلا ثلاثة منهم!

اعداد ترتیبی:

عُقود		اعداد ۱۱-۱۹		اعداد ۱-۱۰	
بیستم	العِشرونَ	یازدهم	الحادی عَشْرَ	یکم، نخستین	الأوّل
سی ام	الثلاثونَ	دوازدهم	الثانی عَشْرَ	دوم	الثانی
چهلّم	الأربعونَ	سیزدهم	الثالث عَشْرَ	سوم	الثالث
پنجاهم	الخَمسونَ	چهاردهم	الرّابع عَشْرَ	چهارم	الرّابع
شصتم	الستونَ	پانزدهم	الخامس عَشْرَ	پنجم	الخامس
هفتادم	السبعونَ	شانزدهم	السادس عَشْرَ	ششم	السادس
هشتادم	الثمانونَ	هفدهم	السابع عَشْرَ	هفتم	السابع
نودم	التسعونَ	هجدهم	الثامن عَشْرَ	هشتم	الثامن
-	-	نوزدهم	التاسع عَشْرَ	نهم	التاسع
-	-	-	-	دهم	العاشر

نکات:

❖ عدد صدم: المئة (المائة)

❖ مؤنث عدد «الأول» به شکل «الأولى» به کار می رود.

-انجام چهار عمل اصلی:

عملیات	در عربی	مثال
جمع +	زائد	خَمْسَةَ زَائِدِ إِثْنَا عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةَ عَشَرَ
ضرب ×	ضربٌ في	إِثْنَانِ ضَرْبٌ فِي ثَلَاثَةِ يَسَاوِي سِتَّةَ
تقسيم ÷	تقسيم على	عَشْرُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى عَشْرَةٍ يَسَاوِي إِثْنَانَ
تفريق -	ناقص	خَمْسَةَ نَاقِصِ إِثْنَانَ يَسَاوِي ثَلَاثَةَ

❖ گاهی در عمل ضرب به جای «ضربٌ في» به صورت خلاصه «في» گفته می شود.

-بیان درصد: عدد اصلی + فی المئة

-مثال: پنجاه درصد: خمسون فی المئة
چهل و هفت درصد: سبعة و أربعون فی المائة

-بیان ساعت:

❖ ساعت بدون دقیقه: اعداد ترتیبی . مثال: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ : ساعت هفت
❖ ساعت به همراه دقیقه: بخش ساعت با اعداد ترتیبی و بخش دقیقه با اعداد اصلی

-مثال: ۸:۳۰ : السَّاعَةُ الثَّمَانَةُ وَ النِّصْفُ = السَّاعَةُ الثَّمَانَةُ وَ ثَلَاثُونَ دَقِيقَةً

۷:۴۵ : السَّاعَةُ الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعاً = السَّاعَةُ السَّابِعَةُ وَ خَمْسٌ وَ أَرْبَعُونَ دَقِيقَةً

۸:۳۳ : السَّاعَةُ الثَّمَانَةُ وَ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ دَقِيقَةً

تست: عین الخطأ فی العمليّات الحسابیّة التالیة:

(۱) تسعون ناقص عشرة يساوي : سبعين (۲) ستة في أحد عشر يساوي : ستة وستين

(۳) خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين يساوي : مئة (۴) عشرة تقسيم على اثنين يساوي : خمس

تست: أي ساعة يجيء بعد الساعات الأخرى:

(۱) الخامسة و النصف (۲) الخامسة إلا ربعاً (۳) الخامسة و عشرون دقيقة (۴) الخامسة و الربع